

**جنبش‌های اجتماعی**  
**(مفاهیم حیاتی در جامعه‌شناسی)**  
**(جلد اول)**

گردآورندگان:  
جف گودوین و جیمز جاسپر

ترجمه:  
سعید حاجی ناصری  
فرید حسینی مرام



عنوان و نام پدیدآور: جنبش‌های اجتماعی: مفاهیم حیاتی در جامعه‌شناسی (ویراستاران) جف گودوین، جیمز جاسپر؛ مترجمان: سعید حاجی‌ناصری، فریدالدین حسینی مرام

مشخصات نشر: تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ص ۲۴۰، جدول، نمودار

شابک: 978-964-511-555-3

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: مفاهیم حیاتی در جامعه‌شناسی

موضوع: جنبش‌های اجتماعی

عنوان دیگر: رفتار جمعی

شناسه افزوده: گودوین، جف، ۱۹۵۸-م. ویراستار Goodwin, Jeff

شناسه افزوده: جاسپر، جیمز ام، ۱۹۵۷-م. ویراستار Jasper, James M

شناسه افزوده: حاجی‌ناصری، سعید، ۱۳۶۰- مترجم

شناسه افزوده: حسینی مرام، فریدالدین، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۸۸۱/ج ۸۶: HM

رده‌بندی دیویی: ۳۰۳/۴۸۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۷۷۴۰۴



۷۵۶

نشر میزان  
جنبش‌های اجتماعی: مفاهیم حیاتی در جامعه‌شناسی  
جف گودوین، جیمز جاسپر  
مترجمان:

دکتر سعید حاجی‌ناصری

استادیار دانشگاه تهران

فرید حسینی مرام

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۳

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شماره: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۳-۵۵۵-۵۱۱-۹۶۴-۹۷۸

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعداز چهارراه سهروردی، خ کاووسی‌فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخررازی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتوح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱

پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

## فهرست مطالب

۲۱	..... مقدمه
۲۷	..... بخش اول - کلاسیک‌ها
۲۸	..... ۱- ذهنیت جماعات گوستاو لوبون
۴۵	..... ۲- زمینه رفتار جمعی هربرت بلومر
۵۷	..... ۳- سیاست جامعه توده‌ای ویلیام کورن‌هاوزر
۸۵	..... ۴- ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی رفتار جمعی نیل اسملسر
	..... بخش دوم - محرومیت نسبی، فروپاشی اجتماعی، و هنجارهای
۱۲۹	..... نوظهور
۱۳۰	..... ۵- به سوی یک نظریه انقلاب جیمز دیویس
۱۶۴	..... ۶- به سوی نظریه جنبش‌های اجتماعی رالف ترنر و لوییز کیلیان
۱۸۲	..... ۷- ساختارمندی اعتراض فرانسیس فاکس پایون و ریچارد کلووارد

## جدول زمانی مقالات موجود در این کتاب

فصل	جلد	منبع	عنوان	نگارنده	تاریخ
۱	۱	<i>The crowd: A Study of the Popular Mind</i> , New York: The Viking Press, pp. 23-42.	ذهنیت جماعات	گوستاو لوبون	۱۸۹۵
۲	۱	R. Park (ed.), <i>An Outline of the Principles of Sociology</i> , New York: Barnes & Noble, pp. 221-232.	زمینه رفتار جمعی	هربرت بلومر	۱۹۳۶
۳	۱	<i>The Politics of Mass Society</i> , New York: The Free Press, pp. 76-84, 125-128, 212-222.	سیاست جامعه توده‌ای	ویلیام کورن‌هاوزر	۱۹۵۹
۵	۱	<i>American Sociological Review</i> 27(1): 5-19	به سوی یک نظریه انقلاب	جیمز دیویس	۱۹۶۲
۲۰	۲	<i>Social Forces</i> 44(3): 327-341.	ساختارهای جنبش اجتماعی: رشد، زوال و تغییر	مهیر زالدو روبرتاش	۱۹۶۶
۴	۱	<i>Essays in Sociological Explanation</i> , New Jersey: Prentice Hall, pp. 92-121.	ابعاد اجتماعی و روانشناختی رفتار جمعی	نیل اسملسر	۱۹۶۸
۱۷	۲	<i>American Political Science Review</i> 62(4): 1144-1158.	اعتراض به مثابه یک منبع سیاسی	مایکل لپسکی	۱۹۶۸
۱۱	۱	<i>American Sociological Review</i> 35(4): 627-649.	علل ناآرامی‌های نژادی: مقایسه تفاسیر گوناگون	سپور اسپیلرمن	۱۹۷۰

۸ □ جنبش‌های اجتماعی (مفاهیم حیاتی در جامعه‌شناسی)

۱۳	۱	<i>American Sociological Review</i> 37(5): 533-547.	الگوهای خرابکاری در خلال شورش‌های مدنی به مثابه شاخص‌گزینش اهداف	ریچارد برک و هوارد آلدریچ	۱۹۷۲
۳۵	۳	<i>American Sociological Review</i> 37(5): 520-532.	سختی زندگی و خشونت جمعی در فرانسه، ۱۸۳۰ تا ۱۹۶۰	دیوید استایدر و چارلز تیلی	۱۹۷۲
۴۰	۳	<i>Social Conflict and Social Movements</i> (Prentice-Hall, NJ), pp. 284-295.	مقابله	آنتونی اوپرشال	۱۹۷۳
۷	۱	<i>Poor People's Movements: Why They Succeed, How They Fail</i> , New York: Vintage Books, pp. 1-40.	ساختارمندی اعتراض	فرانسیس فاکس پایون و ریچارد کلوارد	۱۹۷۷
۱۸	۲	<i>American Journal of Sociology</i> 82(6): 1212-1241.	بسیج منابع و جنبش‌های اجتماعی: یک نظریه جزئی	جان مک‌کارتی و مه‌یر زالد	۱۹۷۷
۱۹	۲	<i>The Logic of Collective Action: Public Goods and the Theory of Groups</i> (Harvard University Press), pp. 53-65.	اندازه گروه و رفتار گروه	مانکور اولسون	۱۹۷۷
۳۶	۳	<i>American Sociological</i>	شورش ناتوانان:	کریگ جنکینز	۱۹۷۷

		<i>Review</i> 42(2): 249-268.	جنبش‌های کارگران مزرعه (۱۹۴۶-۱۹۷۲)	و چارلز پروو	
۳۷	۳	<i>British Journal of Political Science</i> 16(1): 57-85.	ساختارهای فرصت سیاسی و اعتراض سیاسی: جنبش‌های ضد هسته‌ای در چهار دموکراسی	هربرت کیتشلت	۱۹۷۷
۴۴	۳	<i>American Journal of Sociology</i> 83(4): 823-861.	جنبش‌های اجتماعی در سازمان‌ها کودتا، شورش، و جنبش‌های توده‌ای	مه‌یر زالدو و مایکل برگر	۱۹۷۸
۹	۱	<i>American Sociological Review</i> 45(3): 357-369.	مدل همبستگی، مدل فروپاشی، و جنبش ضد تفکیک‌زدایی نژادی بوستون	برت اوسیم	۱۹۸۰
۲۵	۲	<i>American Sociological Review</i> 45(5): 787-801.	شبکه‌های اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی: رویکردی خردساختاری	دیوید استون، لوییز زارچر جونیسور و شلدون اکلاند اولسون	۱۹۸۰

			به تفاوت در عضوگیری‌ها		
۵۶	۴	<i>Social Science Information</i> 19(2): 199-226.	جنبش‌های اجتماعی جدید: رویکردی نظری	آلبرتو ملوچی	۱۹۸۰
۲۱	۲	<i>American Sociological Review</i> 46(6): 744-767.	جنبش تحصنی دانش‌جوینان سیاه‌پوست جنوبی: تحلیل ساختار داخلی	آلدون موریس	۱۹۸۱
۱۰	۱	<i>Sociological Quarterly</i> 23: 33-47.	محرومیت نسبی و جنبش‌های اجتماعی	جوان گارنی و کاتلین تیرنی	۱۹۸۲
۵۵	۴	<i>Social Research</i> 52(4): 749- 787.	مقدمه‌ای بر مطالعه جنبش‌های اجتماعی	آلن تورن	۱۹۸۵
۵۹	۴	<i>Sociological Inquiry</i> 55(1): 36-61.	بسیج و معنا: به سوی تلفیق روانشناسی اجتماعی و چشم‌انداز منابع در جنبش‌های اجتماعی	میرا مارکس فوری و فردریک میلر	۱۹۸۵
۱۴	۱	<i>American Sociological Review</i> 51(4): 447-463.	جنبش جمعی به مثابه رفتار جمعی	کلارک مک‌فیل و رونالد والشتاین	۱۹۸۶

۶۱	۴	<i>American Sociological Review</i> 51(4): 464-481.	روندهای انطباق چارچوبی، بسیج خرد و مشارکت در جنبش	دیوید اسنو، برک راجفورد جونیسور، استیفن واردن و رابرت بنفورد	۱۹۸۶
۶	۱	<i>Collective Behavior</i> , 3 <sup>rd</sup> edn, New York: Prentice-Hall, pp. 241-248.	به سوی نظریه جنبش‌های اجتماعی	رالف ترنر و لوییز کیلیان	۱۹۸۷
۲۷	۲	<i>American Sociological Review</i> 52(4): 519-531.	پتانسیل‌ها، شبکه‌ها، انگیزه‌ها و موانع: گام‌هایی به سوی مشارکت در جنبش‌های اجتماعی	بـرت کلاندرمانز و درک اونجیما	۱۹۸۷
۱۵	۱	L. Kriesberg (ed.), <i>Research in Social Movements, Conflicts and Change</i> , vol. 11, JAI Press, Inc., pp. 1-30.	بازگرداندن جماعت به صحنه: عناصر غیرساختاری جنبش‌های اجتماعی	پاملا اولیور	۱۹۸۹
۲۸	۲	<i>American Sociological Review</i> 54(5): 761-775.	تداوم جنبش اجتماعی: جنبش زنان در تعلیق	ورتا تیلور	۱۹۸۹
۴۱	۳	<i>Politics &amp; Society</i> 17(4): 489-509.	تبیین انقلاب‌ها در جهان سوم معاصر	جف گودوین و تـدا اسکاچپول	۱۹۸۹



۸	۱	<i>Social Problems</i> 37(2): 191-205.	جنبش کارگران بیکار دهه ۱۹۳۰: سنجش دوباره تاز پایون و کلوارد	استیو والوچی	۱۹۹۰
۵۸	۴	R. Dalton and M. Kuechler (eds.), <i>Challenging the Political Order</i> (Oxford University Press), pp. 44-66.	ارزش‌ها، ایسدنولوژی و بسیج معرفتی در جنبش‌های اجتماعی جدید	رونالد اینگلهارت	۱۹۹۰
۶۷	۴	<i>American Sociological Review</i> 55(2): 243-255.	فداکاری برای آرمان: روندهای گروه‌های عضوگیری و تعهد در یک جنبش اجتماعی دانشجویی	اریک هرش	۱۹۹۰
۲۶	۲	<i>American Sociological Review</i> 56(6): 716-729.	شبکه‌های متعدد و بسیج در کمون پاریس: ۱۸۷۱	راجر گلد	۱۹۹۱
۲۴	۲	A. Escobar and S. Alvarez (eds.) <i>The Making of Social Movements in Latin America</i> (Westview Press), pp. 303-316.	جنبش‌های اجتماعی و قدرت سیاسی در آمریکای لاتین	اورلاندو فالس بوردا	۱۹۹۲
۳۸	۳	<i>European Journal of</i>	فرصت‌های	هانس پیتر	۱۹۹۲

		<i>Political Research</i> 22: 219-244.	سیاسی و جنسبش‌های اجتماعی جدید در اروپای غربی	کریسی، رود کویمانز، ژان ویلم دویونداک و مارکو جیونی	
۶۰	۴	A. Morris and C. Mueller (eds.), <i>Frontiers in Social Movement Theory</i> (Yale University Press), pp. 53-76.	روانشناسی اجتماعی جمعی	ویلیام گامسون	۱۹۹۲
۶۸	۴	A. Morris and C. Mueller (eds.), <i>Frontiers in Social Movement Theory</i> (Yale University Press), pp. 104-129.	هویت جمعی در اجتماعات جنش اجتماعی: بسط فمینیست‌های همجنس‌گرا	ورتا تیلور و ناسی ویتیر	۱۹۹۲
۲۲	۲	<i>American Journal of Sociology</i> 98(4): 755-798.	مجموعه‌های سازمانی و تغییر نهادی: گروه‌های زنان و دگرگونی عرصه سیاست ایالات متحده، ۱۸۹۰-۱۹۲۰	الیزابت کلمنز	۱۹۹۳
۵۷	۴	M. Traugott (ed.), <i>Repertoires and Cycles of Collective Action</i> (Duke University Press), pp. 173-215.	«جنش‌های اجتماعی جدید» ابتدای قرن نوزدهم	کریگ کالهن	۱۹۹۳
۱۶	۱	E. Larana, H. Johnston, and J. Gusfield (eds.), <i>New</i>	بازاندیشی در	ژوزف گاسفیلد	۱۹۹۴

		<i>Social Movements, Philadelphia: Temple University Press, pp. 58-78.</i>	جنبش‌های اجتماعی: نگاهی دوباره به نظریه جامعه توده‌ای و رفتار جمعی		
۷۲	۴	<i>Bloody Revenge: Emotions, Nationalism, and War (Westview), pp. 105-124.</i>	ریشه‌های جنگ جهانی دوم: جذبه هیتلر برای آلمانی‌ها	توماس شف	۱۹۹۴
۲۹	۲	<i>Social Problems 42(4): 493-512.</i>	عضوگیری از غریبه‌ها و دوستان: شوک‌های اخلاقی و شبکه‌های اجتماعی در اعتراضات حقوق حیوانات و ضد هسته‌ای	جیمز جاسپر و جین پولسن	۱۹۹۵
۳۱	۲	<i>World Politics 47(3): 311-340.</i>	سیاست و رای دولت: کنش‌گرایی محیط زیستی و سیاست مدنی جهانی	پل واپنر	۱۹۹۵
۴۵	۳	<i>The Rebel's Dilemma (University of Michigan)</i>	تعریف مسئله و اتخاذ رویکرد	مارک اروینگ لیخباخ	۱۹۹۵

		Press), pp. 3-32.			
۶۲	۴	<i>Social Problems</i> 42(1): 124-144.	برساخت خیر عمومی: جنش‌های اجتماعی و منابع فرهنگی	ریس ویلیامز	۱۹۹۵
۶۴	۴	H. Johnston and B. Klandermans (eds.), <i>social movements and culture</i> (University of Minnesota Press), pp. 64-81.	روانشناسی بی محتوا، تفکر ایدئولوژیک و تخیل کردن در مورد ملیت	مایکل بیلینگ	۱۹۹۵
۷۰	۴	<i>Social Problems</i> 42(3): 390-407.	آیا جنش‌های هویتی لزوماً خودتخریب‌گر هستند؟ معمایی عجیب	جاشوا گامسون	۱۹۹۵
۷۳	۴	M. Ferree and P. Martin (eds.), <i>Feminist Organizations: Harvest of the New Women's Movement</i> (Temple University Press), pp. 223-233.	در انتظارات مهربانی: وارد ساختن احساسات به مطالعه سازمان‌های فمینیستی	ورتا تیلور	۱۹۹۵
۳۹	۳	<i>American Sociological Review</i> 61(1): 153-170.	فرصت ساختاری و ادراکی در نظریه جنش اجتماعی:	چارلز کورزمن	۱۹۹۶

			انقلاب سال ۱۹۷۹ ایران		
۵۴	۳	<i>Mobilization</i> 2(2): 129-147.	جنبش‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی: چشم‌اندازی شبکه‌ای به نتایج جنبش	ماريو دياني	۱۹۹۷
۶۳	۴	<i>Sociological Inquiry</i> 67(4): 409-430.	نقد درون‌سی چشم‌انداز چارچوبی جنبش اجتماعی	رابرت بنفورد	۱۹۹۷
۶۹	۴	<i>American Sociological Review</i> 62(1): 53-69.	ساختار غریزه‌ای یک جنبش اجتماعی پر خطر: پیوندهای عاطفی و همبستگی در شورشیان هاک، ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۶	جف گودوین	۱۹۹۷
۱۲	۱	<i>Sociological Forum</i> 13(2): 301-320.	آزمون نظریه نویای هنجاری بر رفتار جمعی	بی‌ای آگیره، دنيس ونگر، و گابریلا ویگو	۱۹۹۸
۵۱	۳	<i>Annual Review of Sociology</i> 24: 371-393.	آیا ارزش این همه تلاش را داشت؟ نتایج و پیامدهای	مارکو جیونی	۱۹۹۸

			جنبش‌های اجتماعی		
۶۶	۴	<i>Social Problems</i> 45(2): 137-159.	«شبه تب بود»: روایت و هویت در اعتراض اجتماعی	فرانچسکا پولتا	۱۹۹۸
۷۴	۴	<i>Sociological Forum</i> 13(3): 397-424.	احساسات اعتراض: احساسات عاطفی و واکنشی درون و پیرامون جنبش‌های اجتماعی	جیمز جاسپر	۱۹۹۸
۲۳	۲	<i>American Journal of Sociology</i> 104(6): 1666- 1703.	خم شدن در برابر باد: تغییر استراتژیک و انطباق در سازمان‌های زنان و اقلیت‌های نژادی	دبرا مینکوف	۱۹۹۹
۴۲	۳	<i>Social Problems</i> 46(2): 153-168.	دولت‌های دموکراتیک و جنبش‌های اجتماعی: مباحث و فرضیات نظری	ادوین آمتا و مایکل یانگ	۱۹۹۹

۵۲	۳	M. Guigni, D. McAdam and C. Tilly (eds.), <i>How Social Movements Matter</i> (University of Minnesota Press), pp. 22-41.	تأثیرگذاری: معانی مفهومی و روش‌شناختی معیارهای خیر جمعی	ادوین آمتا و مایکل پی یانگ	۱۹۹۹
۶۵	۴	<i>American Journal of Sociology</i> 105(3): 736-780.	گفتار و بازگفتار کنش جمعی: تحلیل گفتگویی مجموعه‌های گفتمانی در بین سخن‌ریسان انگلیسی قرن نوزدهم	مارک اشتاینبرگ	۱۹۹۹
۳۰	۲	J. Guidry, M. Kennedy and M. Zald (eds.), <i>Globalization and Social Movements: Culture, Power, and the Transnational Public Sphere</i> (University of Michigan Press), pp. 35-53.	پیش‌درآمد تاریخی جنبش‌ها و شبکه‌های اجتماعی فراملی مدرن	مارگارت کک و کاترین سیکینک	۲۰۰۰
۴۳	۳	<i>Social Problems</i> 47(4): 445-472.	مهار و حشیانه: اسرائیل، فلسطین و دیالکتیک سرکوب قانونی	جیمز ران	۲۰۰۰
۴۷	۳	<i>Acta Sociologica</i> 43(2): 101-111.	فرهنگ و کاریزما: طرح کلی یک نظریه	فیلیپ اسمیت	۲۰۰۰

۵۳	۳	B. Staw and R. Sutton (eds.), <i>Research in Organizational Behavior</i> , vol. 22 (JAI Press), pp. 237-281.	قــــــــــــدرت نقش آفرینی می کند: چگونه جنبش های اجتماعی و کنش جمعی، اشکال ساختاری جدیدی پدید می آورند.	هایاگریو رانو، کالوین موریل و مایر زالد	۲۰۰۰
۷۱	۴	<i>Mobilization</i> 5(1): 65-82.	بازگشت سرکوب شده: افول و ظهور احساسات در نظریه جنبش اجتماعی	جف گودوین، جیمز جاسپر و فرانچسکا پولتا	۲۰۰۰
۳۲	۲	<i>Mobilization</i> 6(1): 1-19.	مقاومت جهانی شده: نبرد سیاتل و آینده جنبش های اجتماعی	جکی اسمیت	۲۰۰۱
۴۶	۳	C. Barker, A. Johnson and M. Lavalette (eds.), <i>Leadership and social Movements</i> (Manchester University Press), pp. 179-195.	مدلی از الگوهای جماعت و رهبری جماعت	استیور ریچر، جان دروری، نیک هاپکینز و کلیفورد استات	۲۰۰۱
۴۸	۳	<i>Mobilization</i> 6(2): 111-127.	چریک ها در میانہ میدان:	گی سیدمن	۲۰۰۱



۲۰ □ جنبش‌های اجتماعی (مفاهیم حیاتی در جامعه‌شناسی)

			مبارزه مسلحانه در جنبش ضد آپارتاید آفریقای جنوبی		
۳۳	۲	<i>Social Problems</i> 49(3): 395-415.	نظریه فرآیند سیاسی و جنبش‌های فراملی: دیالکتیک اعتراض در بین اقلیت اوگونی نیجریه	کلیفورد باب	۲۰۰۲
۴۹	۳	<i>American Political Science Review</i> 97(3): 343-361.	منطق استراتژیک تروریسم انتحاری	رابرت ریپ	۲۰۰۳
۳۴	۲	Q. Wiktorowicz (ed.), <i>Islamic Activism: A Social Movement Theory Approach</i> (University of Indiana Press), pp. 143-163.	جهان شبکه‌ای شده جنبش‌های اجتماعی اسلام‌گرا	دیان سینگرمن	۲۰۰۴
۵۰	۳	<i>Mobilization</i> 9(1): 1-16.	رویکردی استراتژیک به کنش جمعی: به دنبال نیروی فعال در گزینه‌های جنبش اجتماعی	جیمز جاسپر	۲۰۰۴

## مقدمه

### جف گودوین و جیمز جاسپر

جنبش‌های اجتماعی تلاش‌هایی جمعی، سازمان‌یافته، خودآگاه و مداوم توسط مردم عادی برای تغییر یا حفظ وجهی از جامعه‌شان به واسطه کنش خارج از رویه‌های معمول و نهادهای حکومت هستند. جنبش‌ها چیزی بیش از تعداد اندکی از افراد را شامل می‌شوند، و ممکن است هزاران نفر را در بر گیرند، اگرچه اغلب توسط گروهی بسیار کوچک یا حتی توسط یک شخص آغاز می‌شوند. آن‌ها سازمان‌یافته‌تر و آگاهانه‌تر از آن هستند که به عنوان رفتاری گذرا و روزمره شناخته شوند - برخی از آن‌ها برای چندین دهه به درازا می‌انجامند - با این حال برخی از جنبش‌ها به سرعت ظهور کرده و به سرعت نیز افول می‌کنند. مردم عادی هسته جنبش‌ها را تشکیل می‌دهند، اما بسیاری از رهبران برجسته، هم‌پیمانان، و افکار پیشرو در بین نخبگان، و افراد متعلق به طبقه متوسط مرفه، بدنه بسیاری از جنبش‌ها را شکل داده‌اند. و در حالی که جنبش‌ها خارج از نهادهای معمول کار می‌کنند، و برخی حتی در پی ویران ساختن این نهادها هستند، برخی در عین حال از طریق کانال‌ها و رویه‌های معمول عمل می‌کنند، یا به دنبال این هستند که نهادها را از درون تغییر دهند. اما تمامی جنبش‌ها به صورت جمعی اعتراضی هستند یا چیزی را به چالش می‌کشند، خواه به صورت آشکار همانند مورد جنبش‌های ضد جنگ و یا خواه به صورت تلویحی همانند جنبش‌های بازگشت به خویشتن که از شهرها و شهرک‌های مدرن بیزار بودند.

به همین خاطر از زمانی که جنبش‌ها وجود داشته‌اند، پژوهشگران و متفکرین به دنبال تبیین و فهم آنان بوده‌اند. چهار جلد کتاب «جنبش‌های اجتماعی: مفاهیم حیاتی در جامعه‌شناسی» در بر دارنده گزاره‌های تحلیلی کلاسیک در مورد جنبش‌ها؛ نقد، گسترش، و فرمول‌بندی مجدد این چشم‌اندازها؛ و تلاش برای وارد ساختن موضوعات و چشم‌اندازهای جدید در تحلیل جنبش‌های اجتماعی می‌باشد. در طول مسیر، طیف گسترده‌ای از جنبش‌ها، اعتراضات، و مخالفت‌ها مورد بحث و تحلیل قرار گرفته‌اند.

جلد نخست شامل گزاره‌های کلاسیک در مورد جنبش‌ها از منظر رفتار جمعی و روان‌شناختی می‌باشد؛ این نوشته‌ها مفاهیم محرومیت نسبی، فروپاشی اجتماعی، جامعه توده‌ای، و هنجارهای نوظهور را مورد بررسی قرار می‌دهند. جلد دوم بر منابع و ساختار جنبش‌ها تمرکز دارد، عواملی که اعتراض مداوم را ممکن می‌سازند. نوشته‌هایی که در این جلد جمع‌آوری شده‌اند، مفاهیمی چون بسیج منابع، شبکه‌های اجتماعی، و کنش‌گرایی فراملی را مورد توجه قرار می‌دهند. جلد سوم به بافت سیاسی و گزینه‌های استراتژیک جنبش‌ها می‌پردازد، و بررسی می‌کند که چگونه فرصت‌ها و تهدیدات سیاسی، و دیگر عوامل بافتاری بسیج، استراتژی‌های جنبش، و پیامدهای جنبش را شکل می‌دهند. نهایتاً، جلد چهارم معانی و عواطف فرهنگی در جنبش‌های اجتماعی و در پشت صحنه آن‌ها را مورد کنکاش قرار می‌دهد، عواملی که در واقع فاکتورهای انگیزشی کنش جمعی هستند. نوشته‌های موجود در این اثر بدین موضوع می‌پردازند که چگونه افکار، ارزش‌ها، چارچوب‌ها، گفتمان‌ها، روایت‌ها، هویت‌های جمعی، و طیف متنوعی از احساسات و عواطف، افراد یا گروه‌های خاصی را به سمت تلاش جمعی در راستای شکل‌دهی دوباره به خودشان و جوامع‌شان هدایت کرده یا به پیش می‌رانند.

تا پیش از دهه ۱۹۶۰، واکنش متفکرین در برابر جنبش‌ها - لاقابل‌خارج از سنت مارکسیستی و سوسیالیستی - به سمت مخالفت گرایش داشت. نخبگان از توده‌ها هراس داشتند. به نظر می‌رسید که سوسیالیست‌ها و سپس کمونیست‌ها، به ویژه در خلال دوران جنگ سرد، نظم اجتماعی را تهدید می‌کنند. در طی دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ نیز جنبش‌های فاشیستی بسیاری از متفکرین را به وحشت انداخت. بسیاری از پژوهشگرانی که در خلال دهه ۱۹۵۰ و حتی دهه ۱۹۶۰ مطلب می‌نگاشتند، با ذهنیتی که در آن کمونیست‌ها و نازی‌ها از بیشترین اولویت برخوردار بودند، نوشته‌های خود را به رشته تحریر در می‌آوردند. تنها تعداد اندکی از پژوهشگران با دیگر جنبش‌های اجتماعی ارتباط داشته یا بدان‌ها می‌اندیشیدند.

در این شرایط، چندان هم شگفت‌انگیز نیست که پژوهشگران تصویری منفی از جنبش‌ها ارائه می‌دادند. تعدادی از نوشته‌ها در جلد اول این واهمه و خصومت را منعکس می‌کنند، اگرچه برخی دیگر بیشتر از در توافق با آن‌ها وارد می‌شوند. تصویر قرن نوزدهمی گوستاو لوبون از جماعات با تحلیل بسیاری از تحلیل‌گران همسو بود

(فصل اول). لوبون می‌اندیشید که جماعات بر مبنای احساسات و نه عقل عمل می‌کنند - و برای او این دو مفهوم به هیچ وجه با یکدیگر سازگار نبودند. احساسات ضد اجتماعی و حتی خشونت‌آمیز همانند یک بیماری مسری در بین جماعات گسترش می‌یابد و باعث می‌شود که آن‌ها رفتاری غیرعقلانی و مخرب، حتی خودمخرب، از خود بروز دهند.

لوبون و تحلیل‌گران پس از او بر این باور بودند که اعتراض و شورش هنگامی بیشترین امکان بروز را دارد که ساختارها و نهادهای اجتماعی موجود فرو پاشند و افراد - و احساسات آن‌ها - را از قیدها و هنجارهای سنتی رها سازند (فصل دوم). در واقع بسیاری از متفکرین از این امر واهمه داشتند که جوامع صنعتی مدرن به سمت اتمیزه کردن و منزوی ساختن مردم از طریق ویران ساختن اجتماعات سنتی، از جمله اجتماعات و ساختارهای مبتنی بر طبقه، حرکت می‌کنند (فصل سوم). چنین اندیشیده می‌شد که مردمی که در این گونه جوامع توده‌ای زندگی می‌کنند، به طور خاص در برابر جذبه عوام‌فریبان که اشکال جایگزین اجتماع، مبتنی بر به عنوان مثال ناسیونالیسم یا سوسیالیسم را وعده می‌دادند، آسیب‌پذیر هستند. در این نگرش، خود جنبش‌ها چیزی شبیه اجتماعات جایگزین بودند. اغلب پنداشته می‌شد که پویایی‌های روان‌شناختی، همانند نیاز به تعلق یا عقده ادیپ حل نشده، همانند انگاری بیش از اندازه خود با گروه اعتراضی و همچنین اهریمنی پنداشتن مقامات را موجب می‌شود (فصل چهارم).

این فکر که فروپاشی اجتماعی باعث ایجاد جنبش‌های اجتماعی می‌شود - و این که مردمی که همبستگی ضعیفی با اجتماعات دارند، احتمال بیشتری دارد که به جنبش‌ها بپیوندند - در بین مردم عمومیت گسترده‌ای یافته بود، اگرچه اکثر یافته‌های پژوهشی خلاف آن را نشان می‌دادند (فصول هشتم، نهم، و یازدهم). تعداد اندکی از محققین هنوز اعتراض و ساختار اجتماعی را مفاهیمی در نقطه مقابل یکدیگر می‌پندارند.

تفسیری اجتماعی - روان‌شناختی از اعتراض که کمتر به این مسئله بعد منفی می‌دهد، تز محرومیت نسبی است (فصل پنجم). این تز بر این باور است که یک گروه هنگامی بیشترین احتمال اعتراض یا طغیان را دارد که احساس کند نسبتاً محروم است (در مقایسه با خواسته‌های خود) که در نقطه مقابل محرومیت مطلق قرار دارد، و این مسئله هنگامی رخ می‌دهد که فاصله‌ای میان شرایط عینی گروه و باورهای آن در مورد

این که چه چیزی قابل قبول یا منصفانه است، وجود دارد. به بیان دیگر، مظلوم‌ترین و مستمندترین مردم به طور کلی شورش نمی‌کنند؛ در اغلب موارد، این افرادی با انتظارات رو به افزایش اما ناکام مانده هستند که دست به طغیان می‌زنند. اگرچه تیز محرومیت نسبی به لحاظ شهودی محتمل است، اما شواهد موجود برای آن نابسند هستند و این تفکر در سالیان اخیر طرفداران خود را از دست داده است. برخی تحلیل‌گران بر این باور هستند که این تر کاملاً در محاصره تعداد زیادی مسئله و مشکل نظری و تجربی است و بدین خاطر نمی‌تواند ابزاری سودمند برای فهم جنبش‌ها باشد (فصل دهم).

برخی پژوهشگرانی که بر این عقیده هستند که ریشه‌های جنبش‌ها در فروپاشی اجتماعی قرار دارد، بر ابعاد هنجاری چنین بحران‌هایی تأکید می‌کنند (فصل ششم). برای آنان، جنبش‌ها هنگامی به وجود می‌آیند که هنجارهای سنتی به چالش کشیده شده‌اند یا دیگر به نظر مناسب نمی‌رسند، و خود جنبش‌ها دقیقاً بدان خاطر حائز اهمیت هستند که هنجارها و معانی فرهنگی جدید و نوظهوری را پدید آورده و با خود حمل می‌کنند، روندی که پیوندهای اجتماعی از پیش موجود می‌توانند آن را تسهیل کنند (فصل دوازدهم). این رویکرد بر بعد سازنده به لحاظ فرهنگی جنبش‌ها، و نقش آنان در اشاعه اندیشه‌ها و ارزش‌های جدید از طریق جوامع تأکید دارد.

دیگرانی نیز در سنت فروپاشی اجتماعی بوده‌اند که با دیده تأیید در مورد جنبش‌ها مطالبی نگاشته‌اند، و بر این باور بوده‌اند که اعتراض مختل‌کننده پدید آمده در خلال دوره‌های گسیختگی عمیق اجتماعی، شکل اصلی قدرت در دسترس مردم عادی می‌باشد (فصل هفتم). این گونه اعتراض خودجوش تصویر شده، و نه برنامه‌ریزی شده و اجرایی شده توسط سازمانی خاص، اگرچه این دیدگاه به چالش کشیده شده است (فصل هشتم). پژوهشگران کنونی بیشتر بر روی این نکته تأکید دارند که همبستگی و انسجام اجتماعی، نه از هم گسیختگی، احتمال اعتراض را افزایش می‌دهد (فصل نهم). سازمان، رسمی یا غیررسمی، در پس اکثر اعتراض‌ها قرار دارد، و جنبش‌های اجتماعی پایدار بدان نیاز دارند (نگاه کنید به جلد دوم). با این وجود، تحلیل‌گران به درستی بر این مسئله تأکید می‌کنند که ممکن است رهبران جنبش منافع و دیدگاه‌های متفولتی را نسبت به بدنه جنبش در پیش گیرند، و رهبران ممکن است در برابر اغوا شدن توسط

نخبگان آسیب‌پذیر باشند. به علاوه، سازمان‌ها نمی‌توانند تمام جزئیات یک تظاهرات یا راه‌پیمایی را در نظر گرفته و برای آن برنامه‌ریزی کنند؛ اکثر رفتارها فی‌البداهه و غیرقابل پیش‌بینی هستند، و مشارکت‌کنندگان در تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها تحت تأثیر دیگران دست به کنش می‌زنند (فصل چهاردهم). پژوهشگران در سالیان اخیر به شدت به سمت استعاره‌های سازمانی کشیده شده‌اند، و راه‌های بسیاری را که از طریق آن گروه‌ها و جماعات عمل می‌کنند، و تأثیراتی را که این‌ها خارج از مقاصد و نیات سازمان‌دهندگان و سازمان‌ها دارند، فراموش کرده‌اند (فصل پانزدهم).

پژوهشگران امروزی دیدگاه پیشین در مورد جنبش‌ها به عنوان واکنش‌هایی بیمارگونه و غیرعقلانی به فروپاشی اجتماعی توسط افراد دارای همبستگی ضعیف را رد می‌کنند. حتی اشکال برنامه‌ریزی نشده اعتراض همانند آشوب‌ها شبیه جماعتی که توسط لوبون توصیف شده به نظر نمی‌رسند (فصول یازدهم و سیزدهم). آشوب‌گران نوعاً افرادی به لحاظ اجتماعی همبسته و کاملاً عقلانی هستند که آگاهانه تاکتیک‌ها و اهدافی را که معتقدند آرمان آن‌ها را به پیش می‌برد، برمی‌گزینند. جنبش‌ها دیگر ذاتاً خطرناک و غیرعادی انگاشته نمی‌شوند، بلکه بخش لاینفک زندگی مدرن دانسته می‌شوند (فصل شانزدهم). پژوهشگران دیگر نمی‌پندارند که منازعه و تغییر غیرطبیعی و خطرناک هستند، بلکه آن را جنبه‌ای ثابت و اجتناب‌ناپذیر از جوامع پیچیده تصور می‌کنند. خود جنبش‌ها به شکل فزاینده‌ای ماهیتاً انعکاسی هستند. مشارکت‌کنندگان از جنبش و معنای آن آگاه بوده و در مورد آن تعمق می‌کنند. جنبش‌ها مشارکت‌کنندگان و همچنین غیر مشارکت‌کنندگان را وادار می‌کنند تا در مورد افکار، هنجارها، و ترتیبات اجتماعی جایگزین بیاندیشند. در این معنا، جنبش‌ها شکلی از تئاتر هستند که ادراکات جدید از جهان و شیوه‌های جدید زیست را در محضر توده تماشاگران به نمایش می‌آورند.

عدم پذیرش تأثیر رفتار جماعت و دیگر دیدگاه‌های روان‌شناختی بر جنبش‌ها هزینه فکری زیادی داشته است. به طور خاص پس از دهه ۱۹۶۰، تحلیل‌گران از بحث در مورد احساسات یا وضعیت روان‌شناختی معترضین - حتی برخی مواقع اعتقادات آنان - به دلیل ترس از به تصویر کشیدن آنان به عنوان موجوداتی غیرعقلانی خودداری می‌کردند. تحلیل‌گران جنبش‌ها بر عوامل ساختاری همانند منابع و سازمان (در جلد

دوم در این مورد بحث شده) و شرایط سیاسی جنبش‌ها (جلد سوم) تأکید می‌کردند، و بدین ترتیب اعتقادات و به ویژه احساسات افراد را تقریباً به طور کامل نادیده می‌گرفتند. با این وجود، در دهه ۱۹۹۰ رویکرد فرهنگی خون جدیدی را وارد رگ‌های تحلیل جنبش اجتماعی کرد، و در اواخر دهه ۱۹۹۰ کار به جایی رسید که حتی تحلیل‌گران بار دیگر به بحث در مورد عواطف و احساسات پرداختند (جلد چهارم). اما ما دقیقاً به وضع پیشین باز نگشته‌ایم. برخلاف نظریه‌پردازان قدیمی جماعت، پژوهشگران امروزی این‌گونه نمی‌پندارند که احساسات و عقلانیت با یکدیگر ناسازگار هستند.